

## آثار اقتصادی و روانی ربا از منظر قرآن و روایات

نویسنده: ثابت علی روحانی

چگیده:

حکم ربا حرام قطعی است و در قرآن و روایات به آن تصریح شده است. آثار ربا نه تنها در آیات و روایات به آن اشاره شده است، بلکه تجربه بشری نیز مضرات آن را شناخته و امروزه در بحث اقتصاد مورد توجه اقتصادهای دنیا قرار گرفته است. مسأله حاضر، بررسی برخی آثار روانی و اقتصادی ربا از نظر آیات و روایات است. این بحقیق به صورت توصیفی انجام شده و اطلاعات مورد نظر به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است. از دست آوردهای مهم این پژوهش این است که ربا نه تنها اعلام محاربه با خداست، بلکه این محاربه به خاطر آثار روحی و رانی است که در شخص به دلیل حرام خواری ایجاد می‌شود. از اثرات وضعی ربا نیز عدم تملک و حرمت تصرف در مال است که در نوع خود مهم و قابل توجه می‌باشد.

کلید واژه: ربا - آثار ربا، آثار اقتصادی - قرآن و روایات

مقدمه:

یکی از حرام‌های مسلم در تمام مذاهب اسلامی مطابق فقه اسلام، ربا است و از ضروریات دین اسلام است و قبل انکار نمی‌باشد. مسئله ربا به واقع نوعی انکار نبوت و انکار توحید است. ربا خواری به گونه‌های متفاوت و معیار متعددی در اکثر نظام‌های دینی حتی مسیحیت در اورپا و آمریکا و کشورهای دیگری پذیرفته شده است و ربا خواری در نظام اقتصادی و حقوقی به صورت امری عادی شده و گاه قبح مسئله برای شخص مسلمان از بین رفته است. حتی بنا بر گزارش‌ها بانکها نیز در مواردی اقدام به چنین کاری می‌کند و همان طور که در ادله

ربا بدان بدان خواهیم پرداخت خداوند در قرآن تحریم ربا را به لحاظ تاکید با واژه حرام اینگونه بیان فرموده است: احل الله البيع و حرم الربا؛ یعنی شما اینگونه قوانینی وضع نکنید که فقرا فقیرتر و ثروتمندان ثروتمندتر شوند. بسیاری از مردم در اثر ندانستن مسائل شرعی ربا می خورند و در زندگی آنها تاثیرات اقتصادی و روانی می گذارد. بنابراین نشان دادن این آثار می تواند در آگاهی بخشی افراد و جامعه نقش دادشته باشد.

## بیان مسئله

ربا در دین اسلام یکی از گناهان بسیار بزرگ بشمار می رود و گستره آن غیر از ربا خواران شامل ربا پردازان، شاهدان و نویسندگان اسناد ربا نیز می شود. ربا از جمله جرایمی است که نه تنها به افراد، بلکه به همه جامعه و بنیان دینی جامعه آسیب وارد می کند و اقتصاد جامعه را نیز به تباهی می کشاند. در واقع ربا خواران ایمان به خدا ندارند ربا بلایی اقتصادی است که در آن اقتصاد عده ای از شهروندان کشور رشد می کند ولی نه آن رشد غیر صحیح و غیرعادلانه که فقط متوجه عده ای بسیار قلیل از ثروتمندان ربا خواری است این اسلام ربا خواری را بزرگ ترین گناهان دانسته و آن را به شدت سرزنش کرده است در آموزه های دینی از مسلمانان خواسته شده است تا در برابر آن مقابله کند و رواج دهندگان آن را نابود کند زیرا در جامعه اسلامی اعتقاد به کارایی نظام ربوی موجب رواج شرک و میل و رغبت بی دینی است. این تحقیق با روش توصیفی تبیینی با روش نقلی و حیانی است و روش گردآوری اطلاعات کتاب خانه ای با رجوع به اسناد و مدارک دینی از قبیل آیات و روایات می باشد.

## ضرورت تحقیق:

ربا خواری تعادل اقتصادی را در جوامع به هم می زند و ثروتها را در یک قطب اجتماع جمع می کند زیرا جمعی بر اثر آن فقط سود می برند و زیان های اقتصادی هم متوجه گروه دیگری می گردد ربا خواری یک نوع تبادل اقتصادی ناسالم است که عواطف و پیوندها را سست می کند و بذر کینه و دشمنی را در دلها می باشد ربا خواری آن قدر رفتار پلید است که خداوند از کسانی که ربا خواری را ترک نکنند به کسانی که به جنگ خدا و رسولش برخاسته اند تعبیر نموده است بطوری که در قرآن می فرماید ایها الذین آمنوا اتقوا الله و ذرو ما بقی من الربا ان کتم مومنین فان لم تفعلوا فاذنوا بحرب من الله و رسوله - ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا

بترسید و رها کنید ربا را اگر به راستی اهل ایمانید پس اگر ترک ربا نکردید پس آگاه باشید که به جنگ خدا و رسولش برخاسته اید. از مهمترین مشکلات ربا خواری مشکلات اقتصادی است مانند مشکلات اقتصادی و اجتماعی، مانند تضييع حقوق. به همین دلیل پرداختن به این مسئله اهمیت دارد. از آنجا که احکام و آموزه‌های دستوری قرآن، در مصالح و مفاسد سامان یافته است؛ برای درک نهي الهی از ربا باید به آثار زیان آور رباخواری اشاره کرد تا با درک این آثار منفی، علل و چرایی حکم نهي الهی دانسته و فلسفه آن آشکار شود. برای اهمیت این حکم الهی که در برخیز آیات عمل رباخواری به عنوان اعلان رسمی جنگ با خدا دانسته شده (بقره، آیه ۲۷۹)، بهتر است که نخست به این آثار زیان آور رباخواری اشاره شود.

## سوالات تحقیق

۱: ماهیت ربا چیست؟

۲: ربا چه آثاری دارد و منظور از آثار اقتصادی چیست؟

۳: اثر ربا خواری و ربا گرفتن در اقتصاد چیست؟

## مفهوم و ماهیت ربا

واژه «ربا» از ریشه «ربو» به معنای زیادی، بلندی، ورم کردن، رشد، نمو، پرورش و مانند آنها است. (لسان العرب، ج ۵، ص ۱۲۶، «ربا».)

در فرهنگ اصطلاحات قرآنی و فقهی مراد از ربا، زیادی خواهی در معامله و قرض است؛ زیرا از نظر فقهی ربا بر دو گونه است: ۱. ربای معاملی همچون فروختن دو جنس مشابه هم به یکدیگر، به شرط آنکه وزن شده باشد و درخواست زیاده شود؛ ۲. ربای قرضی به معنای قرض دادن، به شرط زیاده، هر چند مکیل و یا موزون نباشد، مثل آنکه یک درهم قرض بدهد و شرط کند که دو درهم بگیرد. (جواهرالکلام، ج ۲۳، ص ۳۳۴؛ التبیان، ج ۲، ص ۳۵۹)

براساس آموزه‌های قرآن، رباخواری یک رفتار و فعالیت سالم اقتصادی همچون بیع و تجارت نیست که خدا در آن سود و برکت قرار می‌دهد و موجب رشد اقتصاد فرد و اجتماع می‌شود (بقره، آیه ۲۷۵)، بلکه رباخواری در

حقیقت عملی ضد اقتصادی است که مانع رشد و پیشرفت اقتصاد فرد و اجتماع می‌شود و زمینه‌هایی را برای بحران اقتصادی اجتماع ایجاد می‌کند. (همان)

## مفهوم اقتصاد

معنای لغوی اقتصاد یعنی میانه راه رفتن (منتهی الارب)

از ماده قصد در معنا رفتن - روان شدن - قصد چیزی یا کسی را کردن نیت کردن در اندیشه و امثال آن به کار رفته است (فرهنگ معاصر عربی - فارسی ص ۴۵۵)

اقتصاد در اصطلاح به عنوان دانش بررسی وضع اقتصادی در زمینه تولید - توزیع و مصرف به کار می‌رود (نظریه پردازی اقتصادی اسلامی ص ۳۹ حسن آقای نظری)

معنا اصطلاحی اقتصاد از مطالعه چگونگی استفاده از منابع نادر جامعه به منظور تولید کالاهای با ارزش و تقسیم کردن بین افراد مختلف (دومسینک سالواتره یوجین اصول علم اقتصاد ص - ۶)

## تفاوت بیع و ربا

پس از نزول حکم حرمت ربا برخی با تشبیه بیع به ربا به تردید آفرین درباره حرمت ربا پرداختند - ذَلِكْ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا ۗ وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا ۗ

آنان بدین سبب در این عمل زشت افتند که گویند فرقی بین تجارت و ربا نیست؛ حال آنکه خدا تجارت را حلال و ربا را حرام کرده (سوره بقره آی ۲۷۵)

بعضی جستجو می‌کند حلال دانستن اموال ربا با این استدلال بیع ق ربا همانندند و همان گونه که اگر جنس به دیناری خریداری و سپس به دو برابر فروخته شود جائز است (روض الجنان ج ۴ ص ۱۰۴ و المیزان ج ۳ ص ۸۶)

خدا با رد چنین استدلالی تحلیل و تحریم هر چیز را دنبال مصالح و مفاسد دانسته است چنان که حلیت تابع مصالح آن و حرمت ربا با دنبال مفاسد آن است (روض الجنان ج ۴ ص ۱۰۴ و زبده البیان ص ۴۳۳)

بسیار بر آنکه بیع برای ه حاجت و نیاز انجام می گیرد و در آن زیانی نیست اما بر اضطراری است و در برابر آن ربا خواری مالک مالی بی عوض می کرد

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ

ای اهل ایمان، مال یکدیگر را به ناحق مخورید مگر آنکه تجارتي باشد که از روی رضا و رغبت کرده (سوره نساء آی ۲۹)

البته مواردی نیز از حرمت ربا استثنا شده است که آن نیز در روایات به آن تصریح شده و بر اساس مصالحی این حکم تشریح شده است و بالتبع آثار سوء اقتصادی در این موارد وجود ندارد. یکی از دلایل آن می تواند محدود بودن آن عدم تطبیق شرایط ربا بر آن باشد. مانند

ربا بین پدر و فرزند، بین زن و شوهر و بین مسلمان با کافری که در پناه اسلام نیست (فقه الرضا ص ۲۵۸) بین مسلمان با کافری که پناه اسلام است ولی در شریعتش ربا جائز است چرا به طوری عادی زن و شوهر یا پدر و فرزند دارای خرج و مخارج مشترک اند و پرداخت ربا ق زیاد بین آنها نوعی کمک به اقتصاد و معیشت خویشان است و ربا گرفتن از کافر غیر ذمی نیز با توجه به این که دولت اسلامی تعهد در حفظ جان و مال این افراد ندارد پس گرفتن ربا در قرار دادها از آنها دور از ذهن نخواهد بود.

## دلایل روایی حرمت ربا

قرآن کریم ربا خواری را نوعی ستم به مقروض می داند وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ و اگر از این کار پشیمان گشتید اصل مال شما برای شماست، که در این صورت به کسی ستم نکرده اید و از کسی ستم نکشیده اید. (سوره بقره آی ۲۷۹)

ربا خواری تنها مالک اصل مال است نه بهره آن فلکم رءوس اموالکم برای ه نجات محرومان اصل مالکیت مردم را نادیده نگیرید و مالکیت (بحار الانوار ج ۱ ص ۴۴۴)

امام رضا سبب حرمت ربا را ظالمانه بودن آن نابودی و فساد اموال دانسته است (وسائل الشیعه ج ۱۸ ص ۱۲۱)

نیز رواج یافتن خیرات و کارهای نیک در میان مردم نا از دیگر ادله تحریم ربا شمرده بر پایه روایاتی رواج ربا خواری سبب نابودی اجتماع است (وسائل الشیعه ج ۱۸ ص ۱۲۰ ۱۲۱)

برخی ربا خواری را به جهت مخالفت آن با آی ۲۸۰ بقره به مراعات تنگدستی دستور می دهد حرام دانسته اند (مجمع البیان ج ۲ ص ۳۸۸)

امام رضا علیه السلام می فرمایند خوبی ها از میان جامعه می رود و ثروتها مردم تلف می شود انسانها به دنبال افزون طلبی در سود و منفعت می روند این موجب فساد و ظلم در اجتماع می شود (وسائل الشیعه ج ۱۸ ص ۱۱۷)

## اقسام ربا

ربا قرضی به باور فقیهان شیعه و اهل سنت ربای قرضی وقتی پیدا می شود که در عقد قرض شرط شود که قرض گیرند بیش از مال قرض گرفته را به دهنده آن برگرداند (شرائع الاسلام ج ۲ ص ۳۲۴ و جواهر الکلام ج ۲۵ ص ۵)

فقها هر گونه شرط زیادت در قرض را ربای قرضی دانسته و با گسترش آن به هر گونه قرضی را اعم از مکیل و موزون و معدود) معتقد اند حتی اگر شرط زیادی در وصف نیز باشد ربا و حرام است (المغنی ج ۴ ص ۳۶۰ و الحدائق ج ۲۰ ص ۱۱۰)

ربای معاملی از این گونه ربا به ربای فضل نیز یاد می شود و مربوط به زیاده تبادل دو کالای همجنس است (الفقه الاسلامی ج ۵ ص ۳۷۰۰ و کنز العرفان ج ۲ ص ۳۶ و مصطلحات الفقه ص ۲۶)

بر این اساس هر نوع کالایی که با کیل یا وزن داد و ستد شود و فروشنده نباید در مقابل جنس پسندیده خویش زیاد از آن از جنس نا پسندیده مشتری مطالبه کند و هر گونه شرط زیادت در چنین خرید و فروش سبب بطلان آن خواهد شد (شرائع الاسلام ج ۲ ص ۲۹۹ و جواهر الکلام ج ۲۳ ص ۳۳-)

## ربا در اسلام

بر حرام بودن ربا در روایات نیز تاکید شده و از گناهان بسیار سنگین به شمار آمده ابو جعفر طوسی با سند صحیح از امام جعفر صادق روایت کرده اند فرمود درهم ربا عندالله اشد من سبعین زنیة کلها بذات محرم (وسائل الشیعه شیخ حر عاملی ج ۱۸ ص ۱۱۷)

از امام صادق روایت کرده شده است که اخبث المكاسب کسب الربا - پلید ترین دست آورد ۱۵ ) دست آوردهایی که از راه (ربا) باشد (وسائل الشیعه ج ۱۸ ص ۱۱۷)

رسول خدا فرمود خدا ربا خواری و ربا دهنده و نویسنده ق شاهد بر آن را لعنت کرده است (من الایحضره الفقیه ج ۴ ص ۸)

امام صادق فرمود اگر ربا حلال بود مردم تجارت ق تلاش برای معاش را رها می کردند به همین دلیل خدا ربا را حرام کرد تا مردم از حرام به حلال و تجارت و خرید فروش رو بیاورند و به یکدیگر قرض بدهند (من الایحضره الفقیه ج ۳ ص ۶۷ ح ۴۹۳۷)

رسول خدا فرمود هر گاه زنا و ربا در جایی آشکار شود آنجا خود را در عذاب خدا افکند اند (نهج الفصاحة ص ۱۹۶ ح ۱۱۸)

حضرت علی فرمود خداوند بزرگ لعنت کند ربا و ربا خواران و وکیل و فروشنده و نویسنده و شاهدان ربا را (الحکم الزهرا ص ۴۲)

امام باقر فرمود خداوند ربا را حرام فرمود تا احسان کردن از بین نرود (من الایحضره الفقیه ج ۳ ص ۶۶ ح ۴۹۳۶)

از امام علی زمانی که خداوند بخواهد مردمی را نابود کند ربا در میانشان رواج پیدا می کند - یعنی ربا موجب نابودی می گردد. رسول خدا فرمود خداوند نماز پنج نفر را قبول نمی کند بنده ای که از صاحب خود فرار کند زنی که شوهر از وی راضی نباشد شراب خوار - عاق والدین و ربا خوار. همچنین رسول اکرم فرمود هر گاه امت من ربا خواری شوند گرفتار زلزله و فرورفتن در زمین می گردد (مستدرک الوسائل ج ۱۳ ص ۳۳۳)

رسول خدا فرمود چیزهایی که از آن بیشتر ترس را نسبت به امتم پس از خودم در آمدها حرام - شهوت پنهان و ربا خواری است (الکافی ج ۵ ص ۱۲۴)

رسول اکرم فرمود هر که تجارت می کند باید از پنج چیز دوری کند و گرنه اصلا خرید و فروش نکند ۱- قسم خوردن ۲- کتمان عیب ۳- تعریف از کالایی که می فروشد ۴- بدگویی از کالایی که می خرد ۵- ربا (من الایحضره الفقیه ج ۳ ص ۱۹۵ ح ۳۷۲۷)

رسول اکرم فرمود سود ربا اگر چه بسیار باشد ولی سر انجام که کمی رویی برکتی - می آورد (نهج الفصاحه ص ۵۰۷ ح ۱۶۴)

رسول اکرم فرمود هر کس ربا بخورد خداوند اندازه ربایی که خورده شکمش را از آتش دوزخ پر کند و اگر از طریق ربا مالی ب دست آورده خدای تعالی هیچ عمل او را نپذیرد و تا زمانی که (قیراطی) کمترین مقدار از مال ربا نزدش باشد پویست خداوند و فرشتگانش او را نفرین کنند (بحار الانوار بیروت ج ۳ ص ۳۴۶ ح ۳۰)

امام باقر فرمود پست ترین شغلها بدست آوردن درآمد از راه ربا می باشد (اصول کافی ج ۵ ص ۱۴۴)

امام صادق علی السلام فرمود ربا هفتاد در دارد ( هفتاد معصیت؟ که ساده ترین آنها مانند آن است که انسان مادرش را نکاح کند (وسائل الشیع ج ۱۲ ص ۴۲۷)

رسول اکرم ب امام علی فرمود ای علییل درهم از ربا نظر گناه و معصیت بدتر از هفتادبار زنا است (وسائل الشیع ج ۱۲ ص ۲۲۴ ابواب الربا ح ۱۲)

رسول اکرم فرمود خداوند ربا خوار و ربا دهنده و نویسنده و شاهد بر آن ر لعنت کرده است (امالی صدوق ص ۳۴۶)

رسول خدا فرمودند با ربا خوار رفاقت نکن زیرا او با خداوند به مبارزه برخاسته چون خداوند فرماید اگر دست از ربا خواری برداشتید پس ب خدا و رسولش اعلان دهید - (میراث حدیث شیع محدث نوری ج ۲ ص ۴۶ -)

**ربا در یهودیت**



یهودیان ربا را بین خود جائز نمی دانند ولی نسبت به دیگران جائز می شمردند در تورات (سفر خروج ج ۲۲ و ۲۵) آمده است اگر ب۵ مردم فقیر قرض داده بر آن ربا وضع نکن در سفر لاویین ۲۵ چنین متذکر می شود به اجنبی قرض ربوی بوده اما به برادرت نه. (الجواهر حسن محمد تقی الربا فقیهان و اقتصادیا مطبعة الخيام (۱۴۰۵-۵-ق) ص ۳۲۳)

## ربا در مسیحت

از متون مسیحت استفاده می شود که ربا را حرام می دانسته ولی در دوران ظهور اصلاح طلبان به راهنمایی - لوتر و قزوینل - با اخذ ربا موافقت کردند در انجیل لوتا آمده است وقت به کسانی قرض می دهید که از آنان انتظار اجرت را دارید پس چه فضلی برای شما است؟

ولکن خیرات را بجا آورید و انتظار باز گرداندن از آن نداشته باشید در این صورت اجرتان عظیم خواهد بود دکتر محمد دراز پس از نقل این نص در کنفرانس قانون اسلامی در پاریس می گوید رجال کنسیه و روساشان اجماع دارند بر این که این عبارت انجیل تحریم قطعی معامله ربوی محسوب شود (الجواهری حسن محمد تقی ص ۳۲۵)

اگر دکتر محمد دراز از این عبارت حرمت قطعی استفاده کرده است ولی روشن است از عبارت فوق چیزی بیش از این که ترک ربا فضل و دارای ثواب است فهمیده نمی شود با وجود این اجماع علماء مسیحت و عمل آنان تا قبل از ضایع و علوم اروپا در آخر قرن ۱۵ و اوایل قرن ۱۶ موید تحریم ربا می شود تا جائی که رسکویار) می گوید کسی که بگیرد ربا معصیت نیست ملحد و خارج از دین است (الجواهری حسن محمد تقی ص ۳۲۵-)

## آثار اقتصادی و روانی ربا

از نظر قرآن، چنین رویه‌ای در فعالیت‌های اقتصادی بسیار خطرناک است؛ زیرا آثاری در ابعاد گوناگون به دنبال دارد که همگی آنها زیانبار است. از جمله این آثار ویرانگر می‌توان به موارد زیر اشاره کرده

۱. بی برکتی: از مهم‌ترین آثار زیان آور رباخواری می‌توان به بی‌برکتی در مال و ثروت اشاره کرد. (بقره، آیه ۲۷۶؛ روم، آیه ۳۹) در حالی که شخص رباخوار بر آن است تا با زیاده‌خواهی و نزول‌خواری بر ثروت و مال خویش بیفزاید، از نظر قرآن، نتیجه نهایی چنین فعالیت فاسد اقتصادی عکس انتظار و توقع شخص خواهد بود؛ زیرا در مال ربوی برکتی نیست و مال هر چند که به ظاهر افزایش می‌یابد، ولی از ماندگاری و تاثیر مثبت در زندگی و کسب و کار شخص خبری نخواهد بود؛ زیرا هر افزایش مال و ثروت به معنای بهره‌مندی مفید و سازنده و استفاده مناسب از آن نیست؛ بلکه این برکت الهی است که مال را به گونه‌ای قرار می‌دهد که بهترین بهره مناسب را از آن می‌برد. شاید تاکنون دیده باشید که اثاث و کالایی که برای خانه خریده می‌شود، عمر کوتاهی دارد و بر خلاف توقع به سرعت نیاز به تعمیر یا تغییر می‌یابد و کلی ضرر و زیان بر خریدار تحمیل می‌کند؛ در حالی که کالایی دیگر که به نظر می‌رسد باید عمر کوتاهی داشته باشد، عمر طولانی می‌یابد و در مدت عمرش نیاز به تغییر و تعمیر پیدا نمی‌کند و هیچ هزینه اضافی بر شخص تحمیل نمی‌کند. اینها نمونه‌هایی از بی‌برکتی برکتی در اموال انسان است. در روایات نیز بیان شده که مال حرام بی‌برکت است: «إِنَّ الْحَرَامَ لَا يَنْمُو وَإِنَّ نَمَىٰ لَا يُبَارِكُ لَهُ فَيَه؛ مال حرام رشد نمی‌کند و زیاد نمی‌شود و اگر هم رشد کند، برکت نخواهد داشت.» (کافی، ج ۵، ص ۱۲-)

۲. محرومیت از حلال: از نظر قرآن، رباخواری، از مصادر ظلم و حرام‌خواری است. از یک نظر شخص، به جای آنکه مال حلالی را در زندگی خویش وارد کند، مال حرام وارد می‌کند که خود آسیب دهنده است. از سوی دیگر، همین حرام‌خواری آثار و عواقب دیگری دارد که از جمله آنها محرومیت‌شخص از حلال‌های دیگر است؛ به این معنا که زندگی شخص به گونه‌ای در می‌آید که از حلال‌های دیگر نیز محروم می‌شود. این امر در امت‌های پیشین حتی به شکل تحریم حلال از سوی خدا در قالب تشریح و احکام شریعت مطرح شده است؛ چنانکه خدا در قرآن می‌فرماید یهودیان به سبب ظلم رباخواری، خداوند حلال‌هایی را در شریعت یهودی بر آنان حرام کرد. (نساء، آیات ۱۶۰ و ۱۶۱) بنابراین اگر خدا در قالب حکم تشریحی، در راستای تنبیه و مجازات رباخواران، حتی حلال‌هایی را بر آنان حرام می‌کند، به طور طبیعی باید گفت که در قالب حکم تکوینی، کاری می‌کند که رباخواران از برخی از حلال‌ها محروم شوند؛ چون زندگی خویش را آلوده به ظلم و حرام‌خواری کرده‌اند، به طور طبیعی این حرام در همه زندگی آنان رسوخ می‌کند و بستری را فراهم می‌آورد تا نتوانند از

بسیاری از حلال‌های الهی بهره‌مند شوند. به سخن دیگر، محرومیت از حلال‌ها و عکس العمل طبیعی و تکوینی رباخواری است که زندگی انسان را آلوده کرده است.

۳. محرومیت از نعمت‌ها: از نظر قرآن، کسانی که رباخواری می‌کنند و به این ظلم و بی‌عدالتی و حرام‌خواری گرایش دارند، از نعمت‌های الهی محروم می‌شوند؛ چنانکه یهودیان رباخوار گرفتار شدند. (نساء، آیات ۱۶۰ و ۱۶۱) کسانی که رباخواری می‌کنند، نعمت حلال را به حرام آلوده کرده و به جای شکر نعمت، کفران نعمت می‌کنند؛ از این رو، خدا آنان را گرفتار تنگدستی و بدبختی می‌کند. (نحل، آیه ۱۱۲)

۴. فقدان تعادل روانی و رفتاری: از نظر قرآن، رباخواری تنها در حوزه اقتصادی انسان تاثیر منفی نمی‌گذارد، بلکه آثار زیانبار آن در حوزه روانی و رفتاری نیز بروز و ظهور می‌کند؛ زیرا رباخواری موجب می‌شود تا ابلیس و شیاطین بر شخص مسلط شوند و کنترل روان و رفتار او را در دست گیرند. از همین رو خدا می‌فرماید: *الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ؛* کسانی که ربا می‌خورند، قیام نمی‌کنند و بر نمی‌خیزند، مگر مانند برخاستن کسی که شیطان بر اثر تماس، پریشان حال و آشفته‌اش کرده است. (بقره، آیه ۲۷۵) از نظر قرآن، کسی که تحت تاثیر رباخواری قرار می‌گیرد، گویی شیطانی او را مس می‌کند و در روان و رفتارش تاثیرات منفی ایجاد می‌کند. این گونه است که تعادل روانی و رفتاری خویش را از دست می‌دهد. در هنگام قیامت نیز مستی بر می‌خیزد که نمی‌تواند مستقیم بایستد و به این سمت و آن سمت می‌رود؛ چنانکه در روایتی از رسول خدا (ص) آمده است که رباخواران با این حال در قیامت بر می‌خیزند (الذَّرَّالْمَنْشُورُ، ج ۲، ص ۱۰۲)؛ زیرا قیامت تجسم باطن احوال و اعمال انسانی است. پس کسی که در اینجا گرفتار مس شیطان شده و تعادل روانی و رفتاری خویش را از دست داده، در قیامت همان‌گونه بر می‌خیزد و در تجسم قیامت، خود را نشان می‌دهد. همچنین از این آیه به دست می‌آید که رباخواران گرفتار نوعی جنون و دیوانگی تحت تاثیر شیطان قرار می‌گیرند.

۵. عدم رستگاری: از نظر قرآن، رستگاری در گرو ایمان و عمل صالح است؛ در حالی که رباخواران از نظر فکری گرفتار نوعی کفر و از نظر رفتاری دچار اعمال زشت و ناپسند هستند. از همین روست که رنگ فلاح و رستگاری را نخواهند دید. اینان به سبب آنکه بی‌تقوایی می‌کنند مورد خشم و غضب الهی قرار می‌گیرند؛ لذا

خدا ضمن نهی از رباخواری از مردمان می‌خواهد تا تقوای الهی پیشه کرده و از رباخواری دست بردارند تا رستگار شوند. (آل عمران، آیه ۱۳۰)

۶. کفر: چنانکه گفته شد، رباخواری بیانگر کفر به خدا و فقدان ایمان به اوست. از همین رو خدا به مردم هشدار می‌دهد تا از رباخواری دست بردارند؛ زیرا نتیجه آن چیزی جز کفر نیست (آل عمران، آیات ۱۳۰ و ۱۳۱؛ بقره، آیه ۲۷۶)

۷. گناه: انسان رباخوار نه تنها با ارتکاب این حرام، گناهکار می‌شود، بلکه شرایطی را برای خودش ایجاد می‌کند که گناهان دیگری نیز به سراغ او می‌آید و انجام می‌دهد. (بقره، آیه ۲۷۶)؛ در روایات بیان شده لقمه حرام انسان را به گناهان بزرگی چون قتل پیامبران و اولیای الهی می‌کشاند؛ چنانکه قاتلین سید الشهداء امام حسین (ع) کسانی بودند که شکم‌های آنان از لقمه‌های حرام بویژه اختلاس از بیت‌المال پر بوده است؛ زیرا رهبری قاتلان در دستان کسانی بود که همگی در دوره خلافت ظالمانه، از بیت‌المال اختلاس می‌کردند و به ظلم و چپاول اموال عمومی می‌پرداختند. در روایت است امام حسین پیش از ظهر عاشورا در کربلا صحبت‌های زیادی کرد، ولی هیچ کدام اثر نمی‌کرد. در آخر حضرت فرمودند: « فَقَدْ مُلِئْتُ بُطُونُكُمْ مِنَ الْحَرَامِ؛ چون شکم‌های شما از حرام پر شده است، حرف‌های من در شما اثر نمی‌گذارد. » (بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۸)

۸. جنگ علیه خدا: رباخواری، موجب قرار گرفتن در زمره محاربان با خدا است و کسانی که رباخواری می‌کنند به عنوان محارب و دشمنان خدا مطرح می‌شوند و باید مجازات دنیوی و اخروی را پذیرا باشند؛ زیرا خدا با دشمنان خویش مدارا نخواهد کرد و در دنیا و آخرت آنان را مجازات می‌کند. (بقره، آیات ۲۷۸ و ۲۷۹) باید یادآور شد کسی که اعلان رسمی جنگ با خدا را نمی‌کند، گاه در همین دنیا به سبب گناهان کبیره مجازات می‌شود، چه رسد به کسانی که به طور رسمی و آشکار اعلان جنگ می‌کنند و با گناه کبیره رباخواری نه تنها به خود، بلکه به اقتصاد و ستون قوام بخش و سعادت آفرین اجتماع ضربه و زیان وارد می‌سازند.

۹. جنگ با پیامبر (ص) و اولیای امور اجتماع: رباخواری، موجب قرار گرفتن در زمره محاربان با پیامبر (ص) است؛ و کسی که به رباخواری اقدام می‌کند، با رهبری نظام سیاسی ولایی مخالفت می‌کند؛ زیرا اقتصاد اجتماع و ستون‌های سعادت و آسایشی و آرامشی را دچار بحران می‌سازد. پیامبر (ص) به عنوان رهبری اجتماع، بر آن است تا همچون همه پیامبران و رسالت آنان (حدید، آیه ۲۵) و مانند حضرت یوسف (ع) اقتصاد اجتماع را در

مسیر کمالی و رشدی و بهره مندی قرار دهد (یوسف، آیات ۴۵ تا ۵۶)، اما رباخواران در تضاد عملی و رفتاری با ایشان و دیگر رهبران اجتماع عمل می‌کنند و اجازه نمی‌دهند تا عدالت در اجتماع جاری شود و گردش سالم اقتصادی تحقق یابد. (حشر، آیه ۷) همچنین پیامبر اکرم (ص) و نیز دیگر اولیای امور از رهبران در طول تاریخ به عنوان «قومین بالقسط» باید عمل کنند و قسط و عدالت را به تمام و کمال اقامه نمایند، (مائده، آیه ۸) در حالی که رباخواران اجازه نمی‌دهند تا این امر تحقق یابد؛ از همین رو رباخواری اعلان رسمی جنگ با پیامبر (ص) و اوصیای ایشان از خلفای بر حق و اولیای امور تلقی می‌شود. (بقره، آیات ۲۷۸ و ۲۷۹) باید توجه داشت که وقتی در آیات قرآن پیامبر (ص) در کنار خدا مطرح می‌شود، در بسیاری از موارد به جنبه ولایتی آن حضرت (ص) نسبت به اجتماع توجه می‌دهد؛ زیرا پیامبر (ص) به عنوان رهبر اجتماع وظایف و اختیاراتی دارد که معصیت آن حضرت (ص) در این موارد خود حکمی جداگانه دارد (نساء، آیات ۵۹ و ۶۰؛ احزاب، آیه ۳۶)، هر چند که هر حکم ایشان مطابق وحی است؛ زیرا نطق ایشان و دیگر اعمال ایشان چیزی جز وحی نیست (نجم، آیات ۳ و ۴؛ انفال، آیه ۱۷)؛ از همین رو خدا در آیات ۸ و ۹ سوره مجادله به «معصیت الرسول» برای تاکید بر آن دوبار جدا گانه اشاره می‌کند: بِالْأَثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ، و از مردمان می‌خواهد با رسول الله مخالفت نکنند و علیه ایشان عصیان نورزند.

۱۰. محرومیت از محبت و رحمت خداوند: از نظر قرآن، کسانی محبوب خدا هستند که مطیع اوامر و نواهی خدا و پیامبرش باشند (آل عمران، آیات ۳۱ و ۳۲؛ مائده، آیه ۵۴) اما کسانی که رباخواری می‌کنند، نه تنها مطیع خدا و رسولش نیستند، بلکه به طور رسمی به جنگ خدا و پیامبرش رفته‌اند. از همین رو، مغضوب و مبغوض خدا هستند. بنابراین باید گفت رباخواری، موجب محرومیت از محبت و رحمت خداوند می‌شود و رباخواران محبوب خدا نبوده بلکه مغضوب و مبغوض خدا خواهند بود. (بقره، آیه ۲۷۶؛ نساء، آیات ۱۶۰ و ۱۶۱)

۱۱. ناسپاسی: از نظر قرآن سپاسگزار کسی است که از نعمت‌های الهی بدرستی و مناسب فطرت و شریعت بهره گیرد و کسی که خلاف آن عمل کند، در حقیقت نعمت‌های الهی را ناسپاسی کرده است. از نظر قرآن رباخواری، باعث ناسپاسی شدید نعمت و گناهکاری شخص رباخوار می‌شود و از همین رو از آن منع و نهی کرده است. (بقره، آیه ۲۷۶)

۱۲. جاودانگی در دوزخ: جاودانگی در عذاب، پیامد رباخواری در صورت تکرار آن است. به سخن دیگر، کسانی که دست از رباخواری بر نمی‌دارند، خودشان را برای عذاب جاودان دوزخ و آتش فروزان آن آماده کرده‌اند. (بقره، آیه ۲۷۵)

۱۳. عذاب دردناک: رباخواری به عنوان گناهی بزرگ موجب ورود انسان به دوزخ و عذاب سخت و دردناک آن می‌شود. (نساء، آیه ۱۶۱)

۱۴. استحقاق قتل: از نظر مجازات دنیوی نیز حکم حقوقی رباخواری در صورت عدم توبه و تکرار آن قتل است؛ زیرا رباخوار به جنگ سعادت مردم رفته و ستون اصلی اجتماع و اقتصاد سالم را هدف قرار داده است. (بقره، آیه ۲۷۹) خدا در این آیه با جمله «فأذنوا بحرب...» به این نکته توجه می‌دهد که رباخواران به جنگ رسمی و علنی خدا و رسول‌الله (ص) به عنوان رهبر اجتماع اسلامی رفته‌اند؛ از همین رو، از نظر حقوقی و قانونی مجازات این دسته افراد مرگ است و مسئولان نظام اسلامی باید این افراد را به عنوان محاربان با خدا و نظام ولایی اسلامی اعدام کنند. پس نظام اسلامی باید این افراد را در صورت عدم توبه و تکرار جرم به‌اشد مجازات یعنی اعدام محکوم کند. (نگاه کنید: مجمع البیان، ج ۱ - ۲، ص ۶۷۴)

۱۵. ظلم و بی‌عدالتی: از نظر قرآن، رباخواری ظلم و بی‌عدالتی در عرصه اقتصادی است. بنابراین، رباخوار در جهت خلاف آموزه‌های اسلام عمل می‌کند و اجازه نمی‌دهد تا عدالت در اجتماع تحقق یابد. (حدید، آیه ۲۵؛ انعام، آیه ۱۵۱؛ مائده، آیه ۸؛ بقره، آیات ۲۷۸ تا ۲۷۹)

۱۶. عدم ملکیت سود: از نظر قرآن، حکم حقوقی ربا این است که شخص، مالک اموال و سود حاصله از معامله ربوی نمی‌شود؛ زیرا ربا از موارد صحیح انتقال ملکیت از فردی به فرد دیگر نیست. (بقره، آیات ۲۷۵ تا ۲۷۸؛ آل عمران، آیه ۱۳۰)

۱۷. بطلان معاملات ربوی: همچنین از نظر قرآن، معاملات ربوی از نظر حقوقی باطل است و حکم وضعی چنین معامله‌ای بطلان آن است. به سخن دیگر، همان طوری که حکم تکلیفی حرمت است، حکم وضعی آن بطلان است؛ زیرا نهی در معاملات، موجب بطلان آنها است. (بقره، آیات ۲۷۵ تا ۲۷۸؛ آل عمران، آیه ۱۳۰)

۱۸. حرمت تصرف: حرمت تصرف در اموال ربوی و ربای گرفته شده از دیگر احکام حقوقی و وضعی رباخواری است؛ زیرا شخص با معامله ربوی صاحب ملک نمی‌شود و به سبب بطلان معامله هیچ‌گونه انتقال صحیح و مشروعی اتفاق نیفتاده تا شخص بتواند در ملک تصرفات مالکانه داشته باشد؛ بنابراین، تصرف در اموال ربوی تصرف در مال غیر و حرام است (آل عمران، آیه ۱۳۰) در این آیه هر چند با استعمال کلمه «أکل» از خوردن مال به عنوان مهم‌ترین و عمده‌ترین منفعت ربا منع شده است، ولی مراد هر گونه تصرف در این اموال است. پس باید گفت همه تصرفات دیگر غیر از خوردن نیز مورد نهی است. (مجمع البیان، ج ۱ - ۲، ص ۸۳۳-۸۳۴)

(۸۳۴-)